

BY LUM

# جان لنت از استدمن می گوید

John lent talks about steadman.

در ماه می ۱۹۹۹، من چندروزی را با رالف

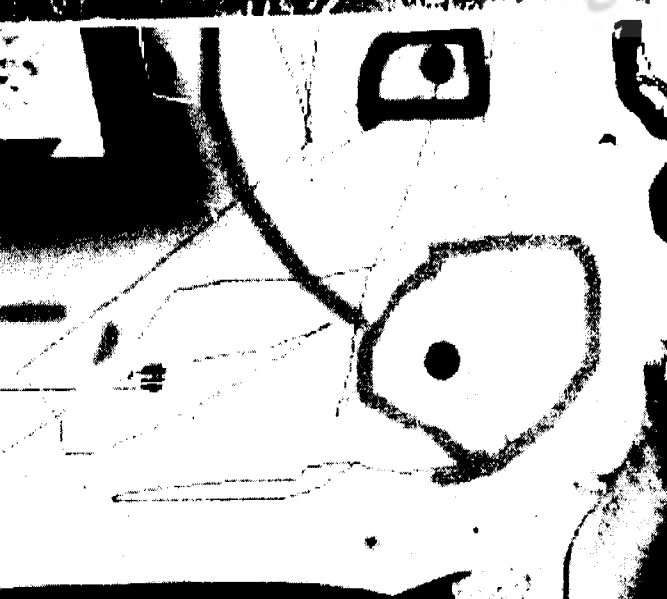
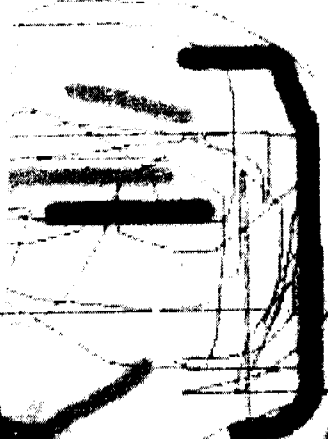
استدمن و همسرش آنا در استانبول گذراندم. در این چند روز خیلی بهتر توانستم با رالف استدمن از نزدیک آشنا شوم و یادداشت هایی در مورد او بنویسم که بخشی از آن ها برداشت های شخصی خودم و بخشی هم گفته های خود او است.

رالف استدمن برعکس تصویری که در سال های اولیه کارش برای مخاطبان ساخته بود، و با برعکس جلوه سیاهی که در سال های اخیر در آثارش دیده می شود، انسانی کاملاً اجتماعی و شاداب است. او شوخ طبع و بذله گو است. ولی رفتارش توهین آمیز نیست. آنا همسرش که ۳۲ سال است با او زندگی می کند، همیشه حامی و پشتیبان اوست. البته این را هم می داند زمانی که رالف بیش از حد حرف می زند، باید او را کنترل کند.

آنا معتقد است نقش منشی مخصوص رالف را ایفا می کند، منشی ای که تمام کارهای غیرهنری او را انجام می دهد و تازه غذا هم می پزد.

رالف استدمن دارای مدرک دکترای افتخاری از دانشگاه «کنت» (Kent) انگلستان است و به گفته خودش دانشگاه «ولز» (Wells) انگلستان نیز به او مدرک دکترای افتخاری اهدا کرده است.

۱۰  
۱۱  
۱۲



او در جشن دریافت مدرک دکترایش از دانشگاه کنت گفته است: «امیدوارم این مدرک جنبه های کج و کوله شخصیتم را صاف نکند و یک دفعه به یک آدم شسته رفته تبدیل نشوم. من تاکنون در زندگی ام این طوری نبوده ام اگر کاری به ذهنم برسد که مرا بخنداند، آن را انجام می دهم، بدون آن که به تاثیرات بیرونی اش فکر کنم.»

رالف در مورد نحوه آغاز فعالیت هنری اش می گوید: «کارهای متفاوتی را امتحان کردم، برای شهرداری موش می گرفتم و یک وقتی نجات غریق بودم. ۶ماه هم در یک فروشگاه بزرگ فروشندگی کردم. اما از لحاظ روحی برای این کارها ساخته نشده بودم. دلم می خواست که طراحی صنعتی را یاد بگیرم. برای همین وارد کلاس "Percy.V.Bradshaw" شدم و پس از تمام شدن این دوره به خدمت سربازی رفتم. در دوران خدمت، وقتم را با طراحی از پوتین و چهره سربازها برمی کردم. آن وقت ها زیاد به کافه می رفتم و مردم هم از من می خواستند که چهره شان را طراحی کنم. من هم می گفتم که برایم نوشیدنی بخرند تا کاریکاتورهایشان را بکشم. آن موقع از اسم Stead «استد» برای امضای کارهایم استفاده می کردم. اما مادرم به من می گفت: مگر از اسمت شرمند ای که آن را کامل نمی نویسی، پس از آن کارهایم را «استدمن STEAD man» امضا می کردم.

استدمن پس از خدمت سربازی، برای روزنامه های شمال کشور شروع به کشیدن کاریکاتورهای سیاسی کرد. در این باره می گوید: «مجبور بودم که در یک اتاق با هنرمندان دیگر بنشینم، هنرمندانی که جدول طراحی می کردند یا نقشه می کشیدند و یا برای مقالات تصویرسازی می کردند. از همان جا بود که لقب تصویرگر را به من هم دادند. اما خودم شخصاً ترجیح می دهم مرا نقاش و یا فقط هنرمند بنامند تا تصویرگر. چون به نظرم تصویرگرها بیش تر از آن که هنرمند باشند، تکنسین هستند. آن ها حتی راضی می شوند که جدول حروف متقاطع را تزئین کنند.»

از حرف های رالف دستگیرم شد که یک کارگاه





رالف چند کتاب را تالیف و تصویرسازی کرده است. زمانی که سوزه ای را برای کتاب هایش انتخاب می کند، با عشق و علاقه و با ذوق و خلاقیت فراوانی مطالعات و تحقیقاتش را شروع می کند. تحقیقات او به قدری کامل است که دانشجویان دکترا را شرمزده می کند. ادبیات نوشتاری رالف استدمن در هر کتاب کاملاً متفاوت است. او خلاقانه داستان پردازی می کند و البته طنز نوشتاری اش نیز مانند طنز تصویری او بسیار غنی و پیچیده است. وی در کتاب "The Big I am" (چه بزرگ هستم من) داستان خلقت را بازآفرینی می کند و از دیدگاه خودش به خدا و آفرینش نگاه می کند.

در کتاب "Tales of the weird" (حکایت های عجیب) به عمد در کلمه "Weird" (به معنی عجیب) از دو R استفاده کرده تا بر عجیب بودنش تاکید بیشتری داشته باشد. او در این کتاب داستان ها و حکایت هایی را ساخته که نمایانگر عجیبترین افراد بر کره زمین اند و البته به تمامی زاینده تخیل خود او است مانند: «یک خانم منشی بود که چهار تا پا داشت، دو تا پای بلند دو تا پای کوتاه. این خانم همیشه دو جفت کفش و جوراب یک شکل می پوشید و...»

رالف استدمن بیش از ۱۲ کتاب تالیف کرده است که همگی به همین شیوه اند، کتاب هایی مانند "Still Life Whit Bottel" (طبیعت بی جان و بطری)، "Between the Eyes" (مابین دو چشم)، "Sigmund Freud" (زیگموند فروید)، "No Room To Swing a Cat" (جایی برای چرخاندن یک گربه نیست)، "TeddyM! here are you?" (تدی! تو کجایی؟)، "Near the Bone" (نزدیک استخوان)، "Paranoids" (روان پریش ها) و...

تصاویر جذاب و خلاقانه کتاب "Paranoids" نشانگر علاقه رالف استدمن به تجربه گری در خلق

بزرگ در خانه اش دارد که در آن بیشتر کارهای تبلیغاتی انجام می دهد. در مورد این کارگاه می گوید: «برای شرکت های IBM و SONY و چند شرکت بزرگ دیگر کارهای تبلیغاتی انجام می دهم. همچنین برای کتاب ها تصویرسازی می کنم، چه آن هایی که خودم می نویسم و چه آن هایی که سفارش می گیرم. گاهی هم سفارش تصویرگری و کاریکاتور از مجلات می گیرم. خلاصه این طوری زندگی می چرخد.»

استدمن در مورد کاریکاتورهای سیاسی می گوید: «افتخارم این است که دیگر چهره سیاستمداران را کنار نمی کنم، چون آن ها از این کسه من کاریکاتورهایشان را می کشم خوششان می آید و البته به نظر من لیاقت این را ندارند. به همین دلیل تازگی فقط پاهایشان را می کشم.»

وی در دانشگاه جورجیا (Georgia) تدریس می کند و آنجا هم به دانشجویان یاد می دهد که چگونه مدل هایشان را از پایین به بالا طراحی کنند، یعنی از پاها شروع کنند و به سر برسند.



آثار هنری اش است. او در ۱۹۸۲ در سفری که به ترکیه داشت متوجه شد آفتاب یکی از عکس‌های پولارویدش را آب کرده است. این مسئله او را به فکر واداشت که با عکس‌های پولاروید صدمه دیده چه کارهایی را می‌تواند انجام دهد. با دست‌کاری کردن امولوسیون (مواد حساس عکاسی) به ایجاد تغییرات و دفرمسیون‌هایی در تصاویر دست یافت که خیلی برایش جالب بود. وی با این تکنیک راه تازه‌ای برای کاریکاتوریزه کردن سوژه‌هایش پیدا کرد. رالف می‌گوید: «با این روش می‌خواستم عکس‌ها از خود کسانی که ازشان عکس گرفته



می‌شد، وحشی‌تر به نظر برسند، به شکلی که حتی خود آن افراد هم نتوانند تا این اندازه وحشی و عجیب باشند.»

از رالف شنیدم که تکه‌هایی از گوشت تازه گوسفند را بر روی کارهایش می‌فشرده تا به رنگ خون دست پیدا کند. او در این مورد توصیه‌ای دارد. «این کار را نباید در گرمای تابستان انجام داد، چون بوی خون مگس‌ها را جذب می‌کند. خون را بگذارید لخته شود، آن وقت به رنگی دست خواهید یافت که به هیچ شکل دیگر به دست نمی‌آید و به هیچ وجه شبیه رنگ هیچ کدام از سس گوجه‌های رایج نیست.»

همه کسانی که رالف استدمن را می‌شناسند، او را در رده هنرمندان و کاریکاتوریست‌هایی می‌دانند که عادتشان پاشیدن مرکب بر روی کارشان است. او در یکی از مصاحبه‌هایش در مورد این تکنیک چنین گفته است: «من با پاشیدن مرکب سعی می‌کنم که کارهایم را نشانه‌گذاری کنم، همان‌طور که سگ‌ها تیرهای چراغ برق را نشانه‌گذاری می‌کنند.» رالف اعتقاد دارد که فرایند خلاقیت هر هنرمند هنگامی که او در حال بازی کردن و تجربه کردن است، آغاز می‌شود. ناخودآگاه این تجربه‌ها باعث می‌شود که هنرمند در مسیری بیفتد و به روشی علاقه پیدا کند، بدون آن‌که حتی خودش دلیل این علاقه و شور را بداند. این تجربه‌گری برای رالف وجه تمایز هنر ناب از هنر تولیدی است.

آثار رالف استدمن از تمامی مسائلی که او هرروزه با آن‌ها سروکار دارد سرچشمه می‌گیرند، مسائلی چون انسانیت، ارزش احساسات، احترام، عصبانیت، عشق و علاقه و بی‌حرمتی‌ها.

